

مروارید حکمت

عزّت الله واعظی

اشاره

آنچه در پی می‌آید چهل حدیث کوتاه و حکمت‌های برگزیده و آموزنده از سخنان حیات‌بخش و کلمات پر بهای اسوه بزرگ بشریت و الگوی برتر انسانیت، سید و سالار شهیدان، حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام است که هر یک همچون ذرّی ناب و مرواریدی گرانبها، در دو بخش «اوامر» و «نواهی» تحت عنوان «مروارید حکمت» تهیه و تنظیم گردید. امید آنکه این مجموعه گران‌سنگ، مبلغان ارجمند را ره توشه تبلیغ و عموم طبقات به ویژه نسل جوان و نوجوان را مایه رشد و فلاح و چراغ راه و مورد توجه و عنایت ویژه فرزندان و منتقم خون امام عاشورا، حضرت بقیه الله الاعظم ارواحنا فداه قرار گیرد.

بخش اول: اوامر

۱ - الگوی شایسته

قال الحسین علیه السلام: اِسْمَعُوا مَقَالَتِي وَ اَكْتُبُوا قَوْلِي...، اِنْ تَسْمَعُوا قَوْلِي وَ تُطِيعُوا اَمْرِي اَهْدِكُمْ اِلَى سَبِيلِ الرَّشَادِ، فَمَنْ اطَاعَنِي كَانَ مِنَ الْمُرْشِدِينَ وَ مَنْ عَصَانِي كَانَ مِنَ الْمُهْلِكِينَ^۱

سخن‌انم را بشنوید و گفتارم را بنویسید که اگر گفتارم را بشنوید و از دستوراتم پیروی نمایید شما را به راه رشد و رستگاری و سعادت و کمال راهنمایی و هدایت می‌کنم پس هر کس از من پیروی کند، رستگار و سعادتمند است و هر کس نافرمانی‌ام کند از هلاک شدگان خواهد بود.

۱. بحارالانوار، ج ۴۴، ص ۱۲۷ و ۳۴۰.

ناگفته نماند که این سیره و روش همه پیشوایان معصوم علیهم‌السلام است چنان که خطاب به آنان می‌گوییم:

كَلَامُكُمْ نُورٌ وَ أَمْرُكُمْ رُشْدٌ وَ وَصِيَّتُكُمْ التَّقْوَى؛^۱

سخنان شما اهل بیت عصمت و طهارت، سراسر نور و آگاهی و دستورهای شما مایه رشد و سعادت و کمال! و توصیه و سفارش شما همواره تقوا و پرهیزکاری و اجتناب از گناهان و معاصی است.

۲- آثار تقوا

قال الحسين عليه السلام: أَوْصِيَكُمْ بِتَقْوَى اللَّهِ فَإِنَّ اللَّهَ قَدْ ضَمِنَ لِمَنْ اتَّقَاهُ، أَنْ يُحَوِّلَهُ عَمَّا يَكْرَهُ إِلَى مَا يُحِبُّ، وَ يَرْزُقَهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ؛^۲

شما را به تقوای الهی و ترس از خدا سفارش می‌کنم، زیرا خداوند برای کسی که تقوای الهی داشته باشد ضمانت کرده، که حالش را از آنچه کراهت و ناخوش دارد، به آنچه که دوست می‌دارد، تغییر دهد، و از آنجایی که گمان نمی‌برد، روزی اش را فراهم سازد.

۳- آزادگی

قال الحسين عليه السلام: يَا شِيعَةَ آلِ أَبِي سَفِيَانَ!

إِنَّ لَمْ يَكُنْ لَكُمْ دِينٌ وَ كُنْتُمْ لَا تَخَافُونَ الْمَعَادَ! فَكُونُوا أحراراً فِي دُنْيَاكُمْ؛^۳

ای پیروان دودمان ابوسفیان! اگر دین ندارید، و از عذاب روز قیامت نمی‌ترسید، پس در دنیای خود آزاد باشید.

۴- رستگاران حقیقی

قال الحسين عليه السلام: أَعْلَمُوا أَنَّ الدُّنْيَا حُلُوهَا وَ مَرُّهَا حُلْمٌ وَ الْإِنْتِبَاهُ فِي الْآخِرَةِ وَ الْفَائِزُ مَنْ فَازَ فِيهَا وَ

الشَّقِيُّ مَنْ شَقِيَ فِيهَا؛^۴

بدانید که شیرینی و تلخی دنیا، خواب و رویایی بیش نیست، و آگاهی و بیداری واقعی در آخرت است، آن کسی که در آنجا به رستگاری رسد، رستگار و خوشبخت است، و آنکه در آنجا گرفتار عذاب الهی شود، تیره روز و بدبخت است.

۱. همان، ص ۱۲۷ و ۳۴۰؛ مفاتیح الجنان، فرازی از زیارت جامعه کبیره.

۲. صحیفه الحسین، ص ۲۳۲.

۳. لهوف، ص ۱۲۰؛ مقتل خوارزمی، ج ۲، ص ۳۳.

۴. بحار الانوار، ج ۱۱، ص ۱۴۹؛ نهج الشهاده، ص ۱۶۹.

۵- مال سودمند

قال الحسين عليه السلام:

مَالُكَ إِنْ يَكُنْ لَكَ كُنْتَ لَهُ مُنْفِقًا! فَلَا تَبْقَ بَعْدَكَ ذَخِيرَةٌ لِغَيْرِكَ وَتَكُونُ أَنْتَ الْمُطَالِبَ بِهِ الْمَأْخُودَ بِحَسَابِهِ وَاعْلَمْ أَنَّكَ لَا تَبْقَى لَهُ وَلَا يَبْقَى عَلَيْكَ فَكُلُّهُ قَبْلَ أَنْ يَأْكُلَكَ!^۱

مال تو اگر برای تو باشد آن را انفاق خواهی کرد! بنابر این آن را برای کسانی دیگر، پس از خود مگذار که سرمایه غیر تو می شود درحالیکه آن را از تو می خواهند و حساب آن را از تو می کشند و بدان که تو برای حفظ مالت نمی مانی و مال تو هم به تو وفا نخواهد کرد پس از آن استفاده کن و در مسیر رضای حق مصرف نما پیش از آنکه مرگت فرار رسد و آن تو را بخورد!

۶- برترین سرمایه

قال الحسين عليه السلام: عِبَادَ اللَّهِ! اتَّقُوا اللَّهَ وَ كُونُوا مِنَ الدُّنْيَا عَلَى حَذَرٍ! فَإِنَّ الدُّنْيَا لَوْ بَقِيَتْ لِأَحَدٍ أَوْ بَقِيَ عَلَيْهَا أَحَدٌ لَكَانَتْ لِلْأَنْبِيَاءِ أَحَقُّ بِالْبَقَاءِ وَأَوْلَى بِالرُّضَا، وَ أَرْضَى بِالْقَضَاءِ غَيْرُ أَنَّ اللَّهَ تَعَالَى خَلَقَ الدُّنْيَا لِلْبَلَاءِ وَخَلَقَ أَهْلَهَا لِلْفَنَاءِ، فَجَدِيدُهَا بَالٌ، وَ نَعِيمُهَا مُضْمَحِلٌّ وَ سُورُهَا مُكْفَهَرٌ، وَ الْمَنْزِلُ بُلْغَةٌ، وَ الدَّارُ قَلْعَةٌ؛^۲

بندگان خدا! از خدا پروا کنید و از دنیا بر حذر باشید چرا که اگر بنا بود دنیا برای کسی باقی بماند یا کسی برای همیشه در دنیا باشد پیامبران برای ماندن در دنیا از همه سزاوار تر بودند و جلب رضایت آنها (به ماندن در دنیا) مقدم تر و چنین حکمی (برای خداوند) پسندیده تر بود، و حال آنکه می دانید که چنین نیست، زیرا خداوند متعال دنیا را جایی برای آزمایش و مردمانش را برای از بین رفتن، آفریده است بنابراین تازه هایش کهنه و زوال پذیر و نعمت هایش نابودشدنی است و شادی هایش به غم تبدیل می گردد، و جایگاه و ایستگاهی کوتاه مدت و خانه ای کم ارزش و پست است.

وَ فِي مَوْضِعٍ آخَرَ قَالَ: إِنَّ الصَّبْرَ مِنَ الدِّينِ وَ الْكِرَامَ؛^۳

صبر و شکیبایی، نشانه دینداری و بزرگی منشی است.

۱. بحارالانوار، ج ۷۱، ص ۳۵۷.

۲. مسند الامام الشهيد، ج ۳، ص ۱۵۰؛ تاریخ ابن عساکر، شرح حال امام حسین، ص ۲۱۵.

۳. بحارالانوار، ج ۲۲، ص ۴۱۱.

۷- نعمت گره گشایی

قال الحسين عليه السلام:

اعْلَمُوا أَنَّ حَوَائِجَ النَّاسِ إِلَيْكُمْ مِنْ نِعَمِ اللَّهِ عَلَيْكُمْ فَلَا تَمْلُوا النِّعَمَ فَتَحْوَلَ إِلَى غَيْرِكُمْ فَتَعُودَ نِقْمًا؛^۱
بدانید که حاجت‌ها و نیازهای مردم که به سوی شما می‌رسد و شما می‌توانید آنها را برآورده نمایید از نعمت‌های الهی است که به شما عنایت شده! بنابراین، از این نعمت‌ها ملول و رنجیده خاطر نشوید و آنها را به دیگری مسپارید که دچار قهر و عذاب الهی می‌شوید.

۸- حفظ آبرو و شخصیت

قال الحسين عليه السلام: صُنْ وَجْهَكَ عَنْ بَدَلِهِ الْمَسْئَلَةَ وَارْفَعْ حَاجَتَكَ فِي رُقْعَةٍ فَإِنِّي آتٍ فِيهَا

ماسارگ انشاء الله؛^۲

مردی از انصار خدمت امام حسین عليه السلام رفت و تصمیم داشت که از آن حضرت در خواستی کند، امام عليه السلام به او فرمود: ای برادر انصاری! شخصیت و آبرویت را از درخواست کردن حضوری و رو در رو حفظ نما، تا مبدا به خاطر خواهش و درخواست، آن را بریزی و خواسته و نیازت را از طریق نوشتن نامه (غیر حضوری) عنوان کن، که من آنچه را در نامه‌ات می‌آید و تو را خرسند می‌سازد به خواست خدا برآورده می‌سازند.

۹- صبر و تسلیم

قال الحسين عليه السلام: اصْبِرْ عَلَى مَا تَكَرَّرَ فِيهَا يُلْزِمُكَ الْحَقُّ وَاصْبِرْ عَمَّا تُحِبُّ فِيمَا يَدْعُوكَ إِلَيْهِ

الهوى؛^۳

بر آنچه خوشایند تو نیست اما خداوند تو را به آن ملزم کرده، صبوری نما و بر آنچه که دوست داری اما هوای نفست تو را به آن فرا می‌خواند و از خدا دور می‌سازد بپرهیز.

۱۰- استفاده از فرصت

قال الحسين عليه السلام: بَادِرُوا بِصِحَّةِ الْأَجْسَامِ فِي مَدَّةِ الْأَعْمَارِ، كَأَنَّكُمْ بِيَغْتَاتِ طَوَارِقِهِ؛^۱

۱. الفصول المهمه، ص ۱۷۸.

۲. صحيفه الحسين، ص ۳۳۴.

۳. نزهة الناظر و تنبيه الخاطر، ص ۸۵؛ اصول کافی، ج ۱، ص ۳۰۲.

برای حفظ سلامت خود بکوشید و از فرصت سلامت خود در مدت باقیمانده زندگی‌تان برای رسیدن به کمال و سعادت و خوشبختی استفاده کنید که شما در مسیر حوادث ناگهانی قرار دارید.

۱۱- بصیرت در عمل

قال الحسین عليه السلام: اِعْمَلْ عَمَلَ رَجُلٍ يَعْلَمُ أَنَّهُ مَأْخُودٌ بِالْإِجْرَامِ مَجْزِيٌّ بِالْإِحْسَانِ؛^۲ همانند بنده‌ای رفتار کن که می‌داند به گناه و خطاکاری خود گرفتار و کیفر می‌شود و به نیک رفتاری خود پاداش دریافت می‌کند.

۱۲- نهی از رده سائل

قال الحسین عليه السلام: صَاحِبُ الْحَاجَةِ لَمْ يُكْرَمْ وَجْهَهُ عَنِ سُؤْلِكَ، فَأَكْرَمَ وَجْهَكَ عَنِ رَدِّهِ؛^۳ حاجتمندی که به شما روی آورده با سؤال کردن آبروی خود را نزد شما برده، پس شما به آبروی خود حرمت نهاده، او را رد نکنید.

۱۳- تلاش و رهایی

قال الحسین عليه السلام: اتَّقُوا اللَّهَ عِبَادَ اللَّهِ! وَجِدُّوا فِي الطَّلَبِ وَالْهَرَبِ؛^۴ ای بندگان خدا! تقوای الهی را پیشه خود سازید و پیوسته در به دست آوردن کمال و سعادت کوشا باشید و برای رهایی از عذاب الهی و سقوط در دره‌های هولناک بدبختی، جدیت و تلاش نمایید.

۱۴- موعظه و اندرز

قال الحسین عليه السلام: اِنْتَفِعُوا بِالْمَوَاعِظِ! فَكَفَى بِاللَّهِ مُعْتَصِمًا وَنَصِيرًا وَكَفَى بِالْكِتَابِ حَاجِبًا وَخَصِيمًا وَكَفَى بِالْجَنَّةِ ثَوَابًا وَكَفَى بِالنَّارِ عِقَابًا وَوَبَالَأ؛^۵ ای مردم! از مواعظ و نصایح بهره گیرید. پس همین کافی است که خدا نگهدار و یاور و پشتیبان! و کافی است که قرآن حجت و راهنمای انسان! و کافی است که

۱. تحف العقول، ص ۲۴۳.

۲. صحیفه الحسین، ص ۳۲۴؛ بحار الانوار، ج ۷۸، ص ۱۲۷.

۳. بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۱۹۶؛ کشف الغمه، ج ۲، ص ۲۰۸.

۴. تحف العقول، ص ۴۰۸.

۵. همان، ص ۴۱۰.

بهشت، ثواب عمل انسان‌های نیکوکار! و کافی است که آتش جهنم، عذاب و کیفر بدکاران باشد.

۱۵- رعایت اولویت

قال الحسين عليه السلام: إِذَا أَضْرَّتِ النَّوَافِلُ بِالْفَرِيضَةِ فَارْفُضُوهَا؛^۱

هرگاه انجام مستحبات، به واجبات آسیب رساند آنها را رها کنید و به انجام واجبات همت گمارید.

۱۶- جدیت و تلاش

قال الحسين عليه السلام: جَدُّوا فِي أَحْيَاءِ مَا دَتَرَ بَيْنَكُمْ وَاسْهَالِ مَا تَوَعَّرَ عَلَيْكُمْ وَ أَلْفِهِ مَا دَاغَ مِنْكُمْ؛^۲
 ﴿أُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ﴾^۳

ای مردم! از ما پیروی کنید که اطاعت و فرمانبری از ما بر شما واجب است چرا که به اطاعت خدا و رسول او مقرون و وابسته است. خداوند در قرآن می‌فرماید: خدا و پیامبر خدا و ولی امر از میان خودتان را اطاعت کنید و اگر در چیزی اختلاف نمودید حکم آن را به خدا و رسول او واگذارید.

۱۷- اندیشه و تدبیر

قال الحسين عليه السلام: يَا بَنَ آدَمَ! تَفَكَّرْ، وَ قُلْ أَيْنَ مَلَكُ الدُّنْيَا وَ أَرِبَائُهَا الَّذِينَ عَمَّرُوا خَرَابَهَا وَ احْتَفَرُوا أَنهَارَهَا وَ غَرَسُوا أَشجَارَهَا وَ مَدَّنُوا مَدَائِنَهَا فَفَارَقُوهَا وَ هُمْ كَارِهُونَ! وَ وَرَثَتُهَا قَوْمٌ آخَرُونَ وَ نَحْنُ بِهِمْ عَمَّا قَلِيلٍ لَاحِقُونَ؛^۴

ای فرزند آدم! بیندیش و بگو، پادشاهان و دنیاطلبان کجا رفتند؟ همانان که خرابه‌های دنیا را آباد ساخته و نهرها جاری کرده و درخت‌ها کاشتند و شهرها بنا کردند و سرانجام از آن جدا گشتند در حالی که خوش نداشتند آنها را برای دیگران واگذارند. و گروهی دیگر وارث آنان شدند، ما نیز به زودی به آنان می‌پیوندیم.

۱. همان، ص ۴۰۸.

۲. صحیفه الحسین، ص ۲۳۸.

۳. سوره نساء، آیه ۵۸.

۴. بلاغه الحسین، ص ۳۳.

۱۸- راهی به سوی گناه!

قال الحسين عليه السلام:

أَفْعَلَ خَمْسَةَ أَشْيَاءَ وَادْبَبَ مَا شِئْتُ!
 فَأَوَّلُ ذَلِكَ: لَا تَأْكُلْ رِزْقَ اللَّهِ وَادْبَبَ مَا شِئْتُ. وَالثَّانِي: أُخْرِجْ مِنْ وِلَايَةِ اللَّهِ وَادْبَبَ مَا شِئْتُ
 وَالثَّلَاثُ: أَطْلُبْ مُوَضِعًا لَا يَرَاكَ اللَّهُ فِيهِ وَادْبَبَ مَا شِئْتُ.
 وَالرَّابِعُ: إِذَا جَاءَ مَلَكُ الْمَوْتِ لِيَقْبِضَ رُوحَكَ فَادْفَعْهُ عَنِ نَفْسِكَ وَادْبَبَ مَا شِئْتُ.
 وَالخَامِسُ: إِذَا أَدْخَلَكَ مَا لَيْكَ فِي النَّارِ فَلَا تَدْخُلِ فِي النَّارِ وَادْبَبَ مَا شِئْتُ!^۱
 امام حسین عليه السلام در پاسخ به کسی که از حضرتش راهی برای ارتکاب گناه جست و جو می کرد بی آنکه عقوبت الهی دامنگیرش شود! فرمود:
 پنج کار را انجام بده و آن گاه هر چه می خواهی گناه کن!
 اول: روزی خدا را نخور سپس هر چه می خواهی گناه کن.
 دوم: از قلمرو حکومت خدا بیرون برو! آن گاه هر چه می خواهی گناه کن.
 سوم: جایی را انتخاب کن که خداوند تو را نبیند، آن گاه هر چه می خواهی گناه کن.
 چهارم: وقتی عزرائیل (فرشته مرگ) برای گرفتن جان تو آمد او را از خود بران، آن گاه هر چه می خواهی گناه کن.
 پنجم: زمانی که مالک دوزخ تو را بسوی آتش می برد، در آتش وارد مشو، آن گاه هر چه می خواهی گناه کن.
 شخص اندکی به فکر فرو رفت و از سؤالش شرمنده شد و در برابر پاسخ های امام حسین عليه السلام چاره ای جز توبه و تصمیم بر ترک گناه نداشت!

۱۹- نهی از ادعای بی جا

قال الحسين عليه السلام لِرَجُلٍ قَالَ: يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ أَنَا مِنْ شِيعَتِكَ: اتَّقِ اللَّهَ وَلَا تَدَّعِينَ شَيْئًا! يَقُولُ اللَّهُ: كَذِبٌ وَفَجْرَةٌ فِي دَعْوَاكَ! إِنَّ شِيعَتَنَا مَنْ سَلَّمَتْ قُلُوبُهُمْ مِنْ كُلِّ غِشٍّ وَغَلٍّ وَدَغَلٍ وَلَكِنْ قُلْ أَنَا مِنْ مَوَالِيكُمْ وَمُحِبِّكُمْ!^۲
 سید الشهدا عليه السلام در پاسخ به شخصی که به آن حضرت گفته بود: ای فرزند رسول خدا صلى الله عليه وآله من از شیعیان شما هستم! فرمود: از خدا بترس و چیزی را ادعا مکن که خداوند تو را در ادعایت دروغگو و خائن خطاب کند!

۱. بحارالانوار، ج ۷۵، ص ۱۲۶.

۲. تفسیر الامام العسکری، ص ۳۰۹؛ بحارالانوار، ج ۶۸، ص ۱۵۶.

همانا قلوب شیعیان ما از هرگونه خدعه و خیانت و کینه پاک و سالم است، بلکه بگو من از دلدادگان و علاقه‌مندان شما خاندان عصمت و طهارت هستم.

۲۰- قبر و عبرت

قال الحسين عليه السلام حين رأى القبور: مَا أَحْسَنَ ظَوَاهِرَهَا وَ إِنَّمَا الدَّوَاهِي فِي بُطُونِهَا، فَاللَّهُ، عِبَادَ اللَّهِ! لَا تَشْغَلُوا بِالدُّنْيَا، فَإِنَّ الْقَبْرِيَّاتُ الْعَمَلُ فَاعْمَلُوا وَلَا تَغْفُلُوا، ثُمَّ أَنْشَدَ عليه السلام:

يَا مَنْ بِدُنْيَا إِشْتَغَلَ قَدْ غَرَّهَ طُؤُلُ الْأَمَلِ
الْمَوْتُ يَأْتِي بَغْتَةً وَالْقَبْرُ صُنْدُوقُ الْعَمَلِ؛^۱

حضرت سید الشهداء عليه السلام هنگام مشاهده قبور فرمود: چقدر ظاهر آنها زیباست! در حالی که مصایب و شداید در درون آنها نهفته است. پس ای بندگان خدا! از خدا بترسید و به ظواهر فریبنده دنیا مشغول نشوید، زیرا قبر خانه عمل است، پس در عمل کوشا باشید و از آخرت غفلت نورزید، سپس حضرت این اشعار را خواند:
ای که به دنیا مشغولی و آرزوهای بلند تو را فریفته است! مرگ ناگهان از راه می‌رسد و قبر صندوق عمل است

بخش دوم: نواهی

۲۱- انصاف

قال الحسين عليه السلام: لَا تَقُولَنَّ فِي أَخِيكَ الْمُؤْمِنِ إِذَا تَوَارَى عَنْكَ إِلَّا مَا تُحِبُّ أَنْ يَقُولَ فِيكَ إِذَا تَوَارَيْتَ عَنْهُ؛^۲

هرگز در غیاب برادر دینی ات سخن مگو مگر آن سخنی که دوست داری او در غیاب تو بگوید (یا دوست داری در غیابت گفته شود).

۲۲- پرهیز از ظلم

قال الحسين عليه السلام: إِيَّاكَ وَ ظَلَمَ مَنْ لَا يَجِدُ عَلَيْكَ نَاصِرًا إِلَّا اللَّهُ جَلَّ وَ عَزَّ؛^۳

از ظلم کردن به کسی که در برابر تو یاور و پشتیبانی غیر از خداوند صاحب عزت و جلالت ندارد پرهیز!

۱. احقاق الحق، ج ۱۱، ص ۶۲۸.

۲. بحار الانوار، ج ۷۸، ص ۱۲۷.

۳. همان، ص ۱۱۸؛ تحف العقول، ص ۲۵۱.

۲۳ - نهی از منکر

قال الحسين عليه السلام: لا يَنْبَغِي لِنَفْسٍ مُؤْمِنَةٍ تَرَى مَنْ يَعْصِي اللَّهَ فَلَا تُنْكِرُ عَلَيْهِ؛^۱
سزاوار نیست انسان مؤمن کسی را بنگرد که نا فرمانی خداوند را می کند و نهی از منکر ننماید!

۲۴ - کنترل زبان

قال الحسين عليه السلام: لا تَقُولُوا بِالسِّنِّتِمْ مَا يَنْقُصُ عَنْ قَدْرِكُمْ؛^۲
چیزی که از ارزش و منزلت شما می کاهد به زبان نیاورید.

۲۵ - تقدّم سلام

قال الحسين عليه السلام: لا تَأْذَنُوا لِأَحَدٍ حَتَّى يُسَلِّمْ؛^۳
مردی با امام حسین عليه السلام شروع به حرف زدن کرد و گفت: خدا تو را عافیت بخشد، حالت چگونه است؟
امام در پاسخ فرمود: عافاك الله!؛ خدا تو را هم عافیت دهد.
آن گاه اضافه کرد: السَّلَامُ قَبْلَ الْكَلَامِ؛^۴
سلام کردن، بر سخن گفتن مقدم است.
سپس فرمود: تا کسی سلام نکرد، به او اجازه سخن گفتن ندهید. و فرمود: الْبَخِيلُ مِنْ بَخِيلٍ بِالسَّلَامِ؛^۵
بخیل کسی است که از سلام کردن خودداری ورزد.
در حالی که: لِلسَّلَامِ سَبْعُونَ حَسَنَةً، تِسْعٌ وَ سِتُّونَ لِلْمُبْتَدِي وَ وَاحِدَةٌ لِلرَّادِ؛^۶
سلام کردن هفتاد حسنه و پاداش دارد! شصت و نه تای آن برای سلام کننده است و یکی برای پاسخ دهنده!

۱. کنز العمال، ج ۳، ص ۸۵.

۲. جلاء العيون، ج ۲، ص ۲۰۵؛ نفس المهموم، ص ۳۵۵.

۳. بحار الانوار، ج ۷۸، ص ۱۱۷؛ مستدرک الوسائل، ج ۸، ص ۳۵۸.

۴. تحف العقول، ص ۲۵۰.

۵. همان.

۶. همان.

۲۶ - عزت نفس

قال الحسين عليه السلام: لا ترفع حاجتك إلا إلى أحد ثلاثه: إلى ذي دين أو مروءة أو حسب. فأمّا ذو الدين فيصون دينه و أمّا ذو المروءة فأنه يستحي لمروءته و أمّا ذو الحسب فيعلم أنك لم تكره و جهتك أن تبدل له في حاجتك فهو يصون وجهك أن يردك بغير قضاء حاجتك؛^۱
هرگز دست حاجت پیش کسی دراز نکن مگر آن کسی که یکی از این سه گروه باشد:

۱. دیندار ۲. جوانمرد ۳. از تباری شریف و با شخصیت
زیرا انسان دیندار، دینش او را حفظ می کند و انسان جوانمرد به خاطر جوانمردیش حیا می کند و انسانی که شریف است می داند که تو ناپسند نمی شمردی که برای خواستن حاجت از او آبرویت را در مقابلش بریزی، پس آبرویت را حفظ می کند و بدون پاسخ تو را بر نمی گرداند.

۲۷ - کلام بی مورد

قال الحسين بن علي عليه السلام يوماً لابن عباس: يا ابن عباس! لا تكلمن فيما لا يعينك فأنني أخاف عليك فيه الوزر. و لا تكلمن فيما يعينك حتى ترى للكلام موضعاً، فربّ متكلم قد تكلم بحقّ فعيب؛^۲
روزی امام حسین عليه السلام به ابن عباس فرمود: سخنی مگو که به تو مربوط نمی شود، زیرا از پیامدهای منفی آن برای تو نگرانم!
سخنی را که به تو مربوط می شود جز در جای مناسبش مگو، زیرا چه بسا گوینده ای که حق را نابجا گفت و مورد عیب جویی و شماتت مردم قرار گرفت.

۲۸ - نهی از مجادله

قال الحسين عليه السلام: لا تمارين حليماً و لا سفيهاً، فإن الحليم يقلبك، والسفيه يرديك؛^۳
با دو گروه (بردبار و گستاخ) بگو مگو و یک و دو مکن، زیرا حلیم نسبت به تو نفرت یافته و از توجدا می شود و گستاخ بی خرد تو را آزار می دهد و خوار و پست می سازد.

۱. تحف العقول، ص ۲۴۵.

۲. اعلام الدین، ص ۱۴۵؛ کنز الفوائد، ص ۱۹۴.

۳. صحیفه الحسین، ص ۳۴۴.

۲۹ - بهای انسان

قال الحسين عليه السلام: لَيْسَ لِي أَنْفُسِكُمْ تَمَنَّوْا الْجَنَّةَ فَلَا تَبِعُوهَا بغيرِهَا فَإِنَّهُ مَنْ رَضِيَ مِنَ اللَّهِ بِالدُّنْيَا فَقَدْ رَضِيَ بِالْخَسِيسِ؛^۱

برای وجود شما بهایی غیر از بهشت نیست پس آن را به کمتر از آن مفروشید! زیرا بی تردید اگر کسی به دنیا راضی و به آن خشنود شود و از خدا ببرد قطعاً به چیز پست و بی ارزشی، راضی و دلخوش گردیده است.

۳۰ - خوف از خدا

قال الحسين عليه السلام: لَا يَأْمَنُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِلَّا مَنْ خَافَ اللَّهَ فِي الدُّنْيَا؛^۲
هیچ کس روز قیامت در امان نیست مگر آنکه در دنیا ترس از خدا را در دل داشته باشد.

۳۱ - شادی حقیقی

قال الحسين عليه السلام: لَا تَفْرَحِ إِلَّا بِمَا نَلْتَ مِنْ طَاعَةِ اللَّهِ تَعَالَى؛
و جز به فرمانبرداری خدا شادمان مشو (جز به آنچه در مقام طاعت و بندگی خدا انجام داده ای خوشحال مباش)

۳۲ - عاقل کیست؟

قال الحسين عليه السلام: الْعَاقِلُ لَا يُحَدِّثُ مَنْ يَخَافُ تَكْذِيبَهُ وَلَا يَسْتَلُّ مَنْ يَخَافُ مَنَعَهُ وَلَا يَثِقُ بِمَنْ يَخَافُ غَدْرَهُ وَلَا يَرْجُوا مَنْ لَا يُوثِقُ بِرَجَائِهِ؛^۳
عاقل برای کسی که از تکذیب او هراس دارد، سخن نمی گوید و از کسی که از جلوگیری و منع او می ترسد، درخواست نمی کند و به کسی که از نیرنگ و خیانت او خائف است اعتماد نمی کند و به کسی که امیدی به او نیست امیدوار نمی شود.

۳۳ - وارستگی از دنیا

قال الحسين عليه السلام: لَا تَغُرَّنَّكُمْ هَذِهِ الدُّنْيَا، فَإِنَّهَا تَقَطُّعُ رَجَاءَ مَنْ رَكَّنَ إِلَيْهَا، وَ تَخَيَّبُ طَمَعَ مَنْ طَمَعَ فِيهَا؛^۱

۱. الانوار البهیه، ص ۴۳.

۲. بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۱۹۲.

۳. موسوعه کلمات الامام الحسین، ص ۷۴۲.

ای مردم! دنیا و مظاهر فریبنده آن شما را نفریبید، چرا که هر کس به آن دل ببندد و تکیه کند، رشته امیدش بگسلد و هر کس در آن طمع ورزد، مأیوس شود!

۳۴ - پرهیز از هوای نفس

قال الحسين عليه السلام: اتَّقُوا هَذِهِ الْأَهْوَاءَ الَّتِي جَمَعَهَا الضَّلَالَةُ وَمِيعَادُهَا النَّارُ؛^۲
از هواهای نفسانی پرهیزید که حاصل آن گمراهی و سرانجام آن آتش جهنم است.

۳۵ - پرهیز از خود فراموشی

إِيَّاكَ أَنْ تَكُونَ مِمَّنْ يَخَافُ عَلَى الْعِبَادِ مِنْ ذُنُوبِهِمْ وَيَأْمَنُ الْعُقُوبَةَ مِنْ ذَنْبِهِ، فَإِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لَا يَخْدَعُ عَنْ جَنَّتِهِ وَلَا يُنَالُ إِلَّا بِطَاعَتِهِ إِنْ شَاءَ اللَّهُ؛^۳
بترس از این که از کسانی باشی که بندگان خدا را از گناهانشان می ترسند، بیم و هراس دارند، و خود از کیفر و عقوبت گناه خویش، آسوده خاطر است، زیرا خداوند تبارک و تعالی درباره بهشتش گول نمی خورد! کسی را از بهشت محروم نمی کند و کسی را برخوردار از نعمت های خود نمی کند مگر بواسطه عبادت و بندگی خود.

۳۶ - پرهیز از غیبت

قال الحسين عليه السلام لِرَجُلٍ اغْتَابَ عِنْدَهُ رَجُلًا: يَا هَذَا! كُفَّ عَنِ الْغَيْبَةِ فَإِنَّهَا إِدَامُ كِلَابِ النَّارِ؛^۴
امام حسین عليه السلام با مخاطب قرار دادن شخصی که نزد او از کسی غیبت می کرد، فرمود: ای مرد! زبانت را از غیبت بازدار که غیبت کردن، خورشت یا لقمه سگان دوزخ است.

۳۷ - تعهد و توانایی

قال الحسين عليه السلام: لَا تَتَكَلَّفْ مَا لَا تُطِيقُ؛^۵
آنچه را طاقت نداری به عهده مگیر (خود را به کاری که توان انجامش را نداری به زحمت مینداز)

۱. مناقب ابن شهر آشوب، ج ۴، ص ۱۰۰.

۲. موسوعه کلمات الامام الحسین، ص ۸۴۸؛ احقاق الحق، ج ۱۱، ص ۵۹۱.

۳. صحیفه الحسین عليه السلام، ص ۲۳۲.

۴. تحف العقول، ص ۱۷۵.

۵. بلاغه الحسین، ص ۲۷۶.